

بسمه تعالی

تحلیل وضع موجود جامعه ایران مواضع و خط مشی ما

قطعه نامه هفتمین کنگره نهضت آزادی ایران

بهمن ۱۳۶۳

قطعه‌نامه کنگره هفتم

بسم الله الرحمن الرحيم

رَبَّنَا وَلَا تَحِبِّلْ عَلَيْنَا إِضْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَيَّ الدِّينَ مِنْ قَبْلِنَا،
رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا،
أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ. * (بقره/۲۸۶)

با نام خدای رحمن رحیم و بجزایر و همه رب العالمین، که عزیز حکیم و دوستدار انسانها است، هفتمین کنگره نهضت آزادی ایران از ۱۸ تا ۲۲ بهمن ماه ۱۳۶۳ تشکیل گردید. اینک نتیجه گزارشیه و مذاکرات و تصمیمات اتخاذ شده بصورت قطعه‌نامه حاضر تقدیم میگردد تا رهنمودی برای شوری و ارگانهای دیگر و اعضاء نهضت باشد و وسیله‌ای برای آشنائی و تبادل نظر با عده قمتندان و ضالین گردد.

کنگره هفتم - توجه بشرنظ بحرانی نظام جمهوری و میهن عزیز و انحرافات، از یکطرف و نارسائیهها و نارسائیه و نگرانیهای عمومی وحشتناک، از طرف دیگر که آینده ایران و اسلام را تهدید میکند، مصححت دید بحث و بررسیهای سال جاری بیش از آنچه بخاطرات و افتخارات گذشته انقلاب و تحبیل پیروزیها و یا شکست ها پردازد و معطوف برویدادهای بعد از پیروزی و دولت موقت شود، وضع حال و آینده مملکت و نظام را تجزیه تحلیل کند. بنابراین خلاصه گزارش مذاکرات و تصمیمات کنگره در دو بخش برتیب ذیل ارائه میگردد:

الف: تحبیل وضع موجود جامعه ایران

ب: وضعیت و حدسی بنسب آزادی ایران

۵ - پیروزی گروه سرسگین (گناه) را بر ما بار مکن، آنچنانکه بر کسانیکه پیش از ما بودند بار کردی. پیروزی گناه و چیزی که در نفس و اندام بر ما بار نکن، ما را بیامرز و بما رحم کن، تو صاحب استیلا بر ما هستی پس ما را در برابر گروه کافرین پیروز بگردان.

الف) تحلیل وضع موجود جامعه ایران

بمنظور بررسی موضع فعلی و نظر مردم نسبت بانقلاب و نظام، با آنچه اصالت و مشروعیت و ریشه تاریخی دارد آغاز مینمائیم. یعنی اهداف سه گانه مندرج در شعار انقلاب «آزادی - استقلال - جمهوری اسلامی» را مورد بررسی قرار میدهیم تا مشخص شود هر یک از این سه خواسته تا چه اندازه برآورده شده و ملت را بمنظور خود از انقلاب رسانده است.

۱ - آزادی

آنچه مردم در وضع حاضر شاهد هستند، حاکمیت انحصار و اختناق و فقدان بسیاری از آزادیهای قانونی است. از جمله:

• برخلاف اصل ۲۳ قانون اساسی، تفتیش عقاید و تجسس در استخدامهای دولتی و ثبت نام دانشجویان اعمال میشود.

• در معابر و حتی در صحن مجلس شورای اسلامی شعارهای مرگخواهی و دشنام برای مخالفین عقیدتی و سیاسی داده میشود. از جمله در مورد ولایت فقیه که بهیچ وجه متفق علیه فقههای گذشته و حاضر شیعه نبوده ضروری دین نمیشد.

• احزاب مخالف یکی بعد از دیگری طرد و ممنوع گردیده دفاتر و گاهی منازل اعضایشان مورد حمله و تخریب دستجات غیرمسئول ولی مأمور یا مأذون قرار گرفته اند.

• مساجد و منابر و انجمن جماعات تحت کنترل و انحصار قرار گرفته اند.

• آزادی قلم و مطبوعات و تبلیغات، آنطور که در قانون اساسی مطرح گردیده بشدت

محدود و ممنوع شده، غیرموافق ها نه تنها محروم از روزنامه و شرکت در مصاحبه ها و میزگردها هستند بلکه دفاعیات و پاسخ های آنها در برابر اتهامات و اهانت های متداول را روزنامه های رسمی کمتر حاضر هستند درج نمایند.

• علاوه بر فقدان آزادی قلم و بیان، غیرموافقین از تشکیل اجتماعات، راهپیمائی و

تظاهرات که در قانون اساسی مجاز شمرده شده حتی برای انتخابات محروم هستند.

۲ - استقلال

منظور و هدف ملت ایران از «استقلال» خودمختاری و عدم تمکین و تبعیت از هر قدرت

یا دولت خارجی در ابعاد و جهات مختلف سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی بوده است.

در مقایسه با رژیم گذشته که وابسته به امپریالیسم امریکا بود میتوان گفت انحصار حاکمیت

فعلی از نظر سیاسی مستقل و نیروباسته میباشد اما استقلال سیاسی بدون استقلال اقتصادی و نظامی و فرهنگی میرنویست.

از نظر استقلال اقتصادی، علیرغم تبلیغات فراوان، وضع کشور بطور محسوسی بدتر از گذشته شده هم نیازمندتر و وابسته‌تر به خارج گشته‌ایم و هم ظرفیت و تولید یا خودکفائی ما کاهش یافته است.

— استقلال نظامی که تابع نیروی دفاعی بالقوه و بالفعل کشور میباشد بلحاظ سلاحهای سنگین و مدرن و تعلیمات، در مقایسه با قبل از انقلاب، خیلی از امکانات و تشکیلاتش را از دست داده است اما بلحاظ کیفیت و روحیه و عقیده مطلقاً قابل قیاس با گذشته نبوده توانائی، تفوق و ارزندگی معجزه‌آسای خود را بدلیل ایمان، اخلاص، ایثار و عشق بشهادت بظهور رسانده است.

— استقلال فرهنگی بمعنای مکتبی و ایدئولوژی آنرا که در شعار «نه شرقی نه غربی» مندرج است، میتوانیم تا حدودی، لاقلاً بصورت رسمی، تأمین شده بدانیم. زیرا که با اتخاذ نظام اسلامی خود را منفک و مستقل از مکاتب کمونیسم، سوسیالیسم، کاپیتالیسم و سایر ایس‌ها کرده‌ایم. حتی با گرایش به تعصب و کهنه‌پروری، از اسارت فرهنگ جدید در مواردی به اسارت پاره‌ای آداب و سنت‌های خرافی افتاده‌ایم.

کنگره عقیده دارد که استقلال یک کشور یا ملت و نظام، انحصاراً بابعاد فوق و جهات صوری قضیه نداشته جلوه واقعی استقلال در ابتکار اداری یا فکری و یا خودجوشی جامعه است، همچنین در اعتقاد آنها به استقلال ذاتی نبود و بعدم دخالت و حاکمیت غیر. این دو سرمایه و صفت است که استقلالی مستمر و استوار از آن نشئت میگیرد.

استقلال ذاتی یا روانی و انسانی که مسئله ضد بیگانگی پرستی است و جنبه اعتقادی توحیدی دارد. در این است که شخص یا جامعه هر چه از بد و خوب سرش می‌آید سرگذشت و سرنوشتش را یکسره از خدا و خود دانسته دیگران را مقصر و مؤثر درجه اول نشانسد. اما متولیان برای خودشان و گردانندگان امور و شیوه حکومت کمترین تقصیر و ضرورت تغییر را قائل نبوده و همه چیز را به بیگانگان نسبت میدهند. همانطور که برخی از مخالفین حاکمیت و سرخوردگان از انقلاب با نفی اصالت انقلاب، نظام موجود را خواسته و ساخته بیگانگان میدانند.

مسلماً کشوری که امانتدار و مالک آن یعنی ملت برکنار از حکومت و آزادی و حیثیت بوده بیگانه‌ترسی و بیگانه‌پرستی بر آن سایه انداخته باشد هیچگونه نمیتواند به استقلال واقعی و پرستش خدای بگانه که شرط سعادت دنیا و آخرت است، برسد.

۳ — جمهوری اسلامی

قسمت نهائی شمار جامع و مصوب انقلاب که تشکیل دهنده نظام ما است در سه کلمه یا سه جزء «جمهوری — اسلامی — ایران» خلاصه میشود که ذیلاً بیک یک آنها نظر می‌اندازیم.

از «جمهوری» که حضور و حاکمیت «جمهور» مردم را در صحنه کشور و دولت میرساند چندان خبری نیست، خیزل عظیم مسلمانان خدایپرست غیر خط امام، ملیون، مخالفین و معتقدین بمکاتب سیاسی دیگر و بی طرفها که بر طبق قوانین اساسی دارای حقوق مساوی باید باشند بچشم بیگانه دیده میشوند و خارج از جمهوری بحساب میآیند.

اما صفت «اسلامی» اگر چه اسماً پابرجا مانده است دچار تخصیص و تحریف آشکار گردیده تنها اسلامی حاکمیت دارد که مترادف با روحانیت و حوزه بوده نوسط گروهی از فقها تعریف و اجرا شده باشد. گذشته از آن میان بسیاری از دست اندرکاران، اصول عدالت، تقوی، انصاف، امانت، مشورت و همکاری و اخوت که منظور مردم از حکومت اسلامی بود فراموش گردیده دولت وظیفه خود را نظارت بر اجرای احکام و عبادت تلقی کرده رسالت خود را صدور انقلاب به اقصی نقاط جهان میدانند. در میان مردم نیز انحطاط اخلاقی و توسعه انواع مفاسد آینده تاریکی را برای ایران و نظام جمهوری اسلامی ترسیم مینماید.

جزء آخر، «ایران» است که در شرایط حاضر و با جو حاکم، ملت و ملیون آن، فرهنگ و زبان فارسی و تاریخ و افتخارات آن، بعقیده حاکمان، چیزی است که با مکتب توحید و جهانی بودن اسلام منافات داشته نباید مورد توجه قرار گیرد.

پس بطور خلاصه و جمع بندی، شعار جمهوری اسلامی ایران: برای بسیاری از مردم داستان شیرینی یال و دم و اشکم مولوی را نداعی مینمایند. زیرا بدبترتیب مردم، مذهب و کشور فدای باورهای ذهنی متولیان شده است.

عدم تحقق اهداف سه گانه «آزادی — استقلال — جمهوری اسلامی» موجب آن شده است که تامین عمده ترین خواسته ها یا شرایط و عواملی که سرمایه های ملی و معنوی را بلحاظ حال و آینده انقلاب و ایران و اسلام بوجود می آورد دچار اشکال شود. خواسته ها و شرایط و عوامل فوق الذکر را میتوان در پنج بند ذیل دسته بندی و بررسی کرد:

۱ — تأمین نیازهای مادی و معیشت ملی

با آنکه بحکم «من لا معاش له لا معادله» تأمین معیشت شرط اولیه حیات دنیوی و اخروی است، در سالهای اخیر مشکلاتر شدن تهیه مایحتاج زندگی در همه جا مشهود است. بویژه در موارد ذیل:

- ارزاق و مصارف روزمره فوق العاده گران و بعضاً کمیاب است.
- قیمت پوشاک بدلیل گرانی عوامل جنسی، مزد و ماشین سرسام آورنده است.
- وضع مسکن بدلیل گرانی بی تناسب زمین و کمبود کالاهای ساختمانی دچار مشکلات عظیمی گردیده است.

— بهداشت عمومی و درمان بیماریها بدلیل عدم توانائی دولت در مهار کردن بیماریهای عفونی و وضع نابسامان درمانگاهها و بیمارستانها و ترسیدن داروها چهره مصیبت باری پیدا کرده است.

— خدمات شهری و کشوری مانند آب، برق، تلفن، نظافت و حمل و نقل با وجود ترقی هزینه‌ها بنحاظ کیفیت و کمیت تنزل فاحش پیدا کرده است.

— درآمد و تولید ملی نسبت به سالهای اول انقلاب کاهش چشمگیری یافته و علیرغم افزایش هزینه‌های زندگی میزان اشتغال و درآمد متوسط عمومی دچار سقوط و تقلیل شده است.

۲ — امنیت و آرامش عمومی

پس از گذشت شش سال از پیروزی انقلاب مردم هنوز از نعمت امنیت و آرامش محروم‌اند. مشاهده تب و تابها، تبلیغات، شمارها، وعده‌ها، افشاگریها، پاکسازیها، بمبارانهای شهرها، مشکلات مدنی و روانی جنگ، مژده‌های فتح و صدور انقلاب آنرا دچار آس و سوز کرده و به شکوه و شکایت و بانقضاء و اعتراض واداشته است.

بر نظر مسلمانان و کسانی که سرزمینی شهرداریها را دچار جنبش نامشی و وحشت بوده‌اند، آمار ذرذیه‌های مسلحانه که گنجه‌ها به تنهای هولناک میکشد بیداد میکند. کلاهبرداری و تقلب و قمارتی سکه رائج شده و در بوی این اوضاع، امنیت دستخوش اختلاف رویه قضائی دادگاهها و قضات جوراجور عملاً بی حساب و کتاب گردیده هر قاضی به علم خود و در مواردی به عقیده و عقده خود قضاوت مینماید.

با گسترش ناامنیها و نگرانیهای عمومی، احساس بسیاری از مردم چنان است که عقیده دارند به انقلاب و دامپواریها و فداکاریهایی آنان خیانت شده است.

۴ — مکتب و معتقدات مردم

از زنده‌ترین رمزگان انقلاب ما و قویترین محرک و عامل موثر آن احیای ایمان و اعتبار اسلام مخصوصاً تشیع بود. بدون تردید ایندولوزی دینی و رهبری روحانیت بزرگترین نقش را در تشکیل و توجه مردم و ترفیق انقلاب در حرکت اول آن ایفا نمود. روحانیت شیعه که در برابر هجوم تمدن و تمدن غرب انزوا گزیده بود پس از تجربه اندوزی از نتایج روشن خود در مشروطیت، تحت رهبری قاضی‌قاضی آیت الله خمینی موضعی قاطع علیه استبداد شاهنشاهی اتخاذ کرد و پیروان محقق و حاد و سرافراز را در دست آورده به سرعت رسید و در حرکت دوم انقلاب سیر گروهها و کادر و پیگیرها را در همه اوضاع و احوال پیروان و پیروان خود گردانید. از مؤسست صحنی روحانیت که بگنجه اسلام و دینداری مردم نیز در بین کتک‌کش دچار تحولات و تغییراتی گشته که بدین اشاره میکند.

اسلام و پیاده شدن یا اجرای آن اولاً صورتی و ظاهری دارد که تشریفات و شعائر است و فروع دین را تشکیل داده موضوع بحث رساله های فقهی میباشد، ثانیاً باطنی و محتوائی دارد که معتقدات یا ایدئولوژی است و از مقوله عشق و عبادت میباشد. ما برای رسیدگی باینکه با تجربه شش ساله انقلاب، اسلام و مسلمانان ما بچه مرحله رسیده است مطلب را با تفکیک دو نظر فوق بررسی مینمائیم.

۱-۴- ظهور و فروع دین

از این جهت و بدون تردید باید بگوئیم که موفقیت و خدمت، تا آنجا که ارتباط با قالب و قیافه خارجی دیانت در جامعه انقلاب کرده ایران پیدا میکند. فوق العاده بوده است. خوشبختانه از آن مظاهر ننگ آور و ممشزکننده سابق، مانند وفور مشروب فروشی ها در معابر- روزه خوری علنی- بی حجابی تحریک آمیز- بی بندوباریهای کنار دریا- عشرتکده ها، کباباره ها و قمارخانه ها- فیلم ها و نمایشنامه های خلاف شرع و اخلاق و بطور کلی وجود جو ضد اسلام و ضد اخلاق و پرده دریهای ضد انقلاب، خیر چندانی نیست و از بروز آن با سماجت و خشونت و حتی نفوذ بدون خانه ها جلوگیری میشود.

حال این حالت و اوضاع حاکم تا چه حد از نظر خود اسلام و قرآن و شرع مبین صحیح و مثاب یا قابل قبول و مرضی خداوند عزیز حکیم باشد، مسئله دیگری است. آنچه مسلم است و قرآن و سنت درباره آن صراحت دارند این است که هیچگونه عبادت و انجاء فرائض تا از روی عقیده و ایمان و اختیار و بقصد قربت و اطاعت خدای رحمن نباشد نزد خدا پیشزی ارزش ندارد و ثوابی در آخرت بعامل آن نمیرساند. عملی که بصورت غیرآزاد مختار، روی دستور و فشار و یا برای جلب نفع و دفع ضرر و بخاطر ریا و غیره انجام شود نه تنها ثواب ندارد، در مواردی گناه هم بر آن مترتب میشود.

بدیهی است که بسن اماکن فحشاء و قمار یا فروش مکررات و جنوگیری دولت از افراد و عواملی که با تجاوز بحقوق و آزادی سایرین ایجاد ضرر و زیان و اشاعه فساد و معاصی مینمایند، لازم است ولی الزام و اکراه در عقاید و فرائض دینی یا تجسس و تجاوز بحریم خصوصی و خانگی اشخاص عمل خلاف شرع و خلاف مصلحت و ضداسلام است. تبلیغ دین و ارشاد مردم صرفاً باید با تاسی برسول اکرم و ائمه اطهار بوجه احسن و با ملاحظت و برهان انجام گردد. حتی تبلیغ از راه تبصص در ادارات و مؤسسات دولتی و تفاوت گذرن میان موافقین و مکشپها یا غیرموافقها و سیرمتمنظرها که پرسندیده و منخصل با شیوه موزان مستقیان، در دوران خلافت پنجساله اش، نمیشد و از مواردی است که هدف مشروع علنی برای وسیله غیرمشروع شده است.

منظور آن قسمت از دینداری و اعتقاد و ایمانی است که پذیرفته عقل و خواسته دل اشخاص بوده مراقب باطنی آنها و منشاء خدمات بخلق و عبادت خالق باشد.

ایمان را بعنوان اعتقاد بقلب، اقرار بزبان و عمل تعریف نموده‌اند.

اعتقادیرا که متولیان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران برسمیت می‌شناسند اسلام است اما نه اسلام علی الاطلاق عام و اصیل، که چیزی جز قرآن خدا و سنت رسول اکرم نمی‌تواند باشد، بلکه اسلام فقهاتی. از این اسلام باصطلاح فقهاتی که اعتقاد رسمی یا دولتی است گفتارهایی تراوش مینمایند که در منابر، مساجد، مطبوعات، محافل، معابر و درصدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران بیان میشود و در سخنرانیها و شعارها و در تظاهرات و تبلیغات انعکاس پیدا میکند. پندارها و گفتارها نیز بنوبه خود منشاء کردارهایی میشود که میدان بروز و ظهور آنها دادگاهها و زندانها، راهپیمائیها، نهادها و رسانه‌های گروهی و دستگاهها و نهادهای دولتی میباشد.

از ترکیب و تاثیر سه عنصر یا سه رکن فوق، در رابطه با دینداری مردم و موقعیت اسلام در ایران و جهان، در این شش سال تجربه انقلاب و بعنوان محصول و عملکرد نظام، دو نتیجه متفاوت یا دو جریان متضاد مشهود شده است. یکم جریان مکتبی و باصطلاح حزب اللهی مخنه دمس و دیگری جریان عمومی مردمی و روشنگری.

جریان اول محصول مثبت انقلاب و روحانیت حاکم، تحت لوای اسلام فقهاتی، بوده است. بعضی از بیروان این مکتب که ضمن عمل مشکل گشته و تعلیمات دیده‌اند بنحاظ ایمان و عشق و ایثار خالصانه تا سرحد جان و مال پیش رفته‌اند و در مقایسه با گذشته ایرانیان و با وضع حاضر مسلمانان کشورهای عربی و غیرعربی سنی و شیعه موجب شگفتی و حیرت گشته‌اند. افراد این جریان یا جناح، هم از معتقدین قبلی، اعم از روشنفکر و قشری و طلبه بوده‌اند و هم از گروندگان بعدی. این قشر، حزب حاکم و ایادی و اذتاب او را در نهادها و دستگاهها تغذیه نموده ستون فقرات و پایه و پنجه‌های حاکمیت را تشکیل میدهند. این جریان، هم با گذشت زمان سیر نزولی داشته بطور طبیعی فرسودگی و سرخوردگی روی آن اثر میگذارد و هم مشاهده و برخورد با واقعیات و تجربه عملکرد متولیان چشم و گوشها را باز کرده است.

اما جریان دوم که شاید دردناکترین تجربه نظام حاکم و زینبارترین عملکرد متولیان انقلاب باشد برگشت بسیاری از مردم و متمایل شدگان به اسلام و انقلاب از اسلام است که غالباً انصراف و بعضاً انزجار نسبت بهر چه مربوط به اسلام و دین و خدا است پیدا کرده‌اند. ضمن آنکه نه تعدادشان اندک است و نه اختصاص بطبقه خاصی دارند. علت این انصراف، رفتارهای بیرحمانه خلاف عدالت و انسانیت و اعدامهای چه بسا سهل انگارانه و یا سایر تحمیل و تبعیضها و سلب حقوقها است که بنام و بخاطر اسلام انجام میگردد و فتوی دهندگان و

توجه کنندگان یا تایید کنندگان آنها از مقامات مؤثر حوزه و روحانیت هستند که خود را بعنوان مطلعین و متخصصین اسلام واقعی شناسانده اند.

از طریق مبارزه با علم و فرهنگ دریافتی از مغرب زمین (بمصدق اطلبوا العلم و انزلوا بالقرآن) و بستن دانشگاهها و اختناق سیاسی و تحجر فکری در آموزش و پرورش کشور تحت عناوین انقلاب فرهنگی یا اسلامی کردن تعلیمات و تحقیقات، بنحود دیگری اسلام و ایران را بجاهلیت عربی قبل از بعثت رسول اکرم (ص) برگردانده اند.

خلاصه آنکه تجربه شش ساله انقلاب و نظام به آنجا رسیده است که در نزد جماعات قابل توجهی از مردم ایران اقبال به اسلام، که قبل از پیروزی انقلاب حالت تضاعبی پیدا کرده بود، تبدیل به انصراف و ادبار شده از اسلام تبرّی میجویند و نمیخواهند نامی از آن برده شود.

البته ما بچنین طرزفکرهای اتخاذ شده از روی عصبیت و ترس یا جهالت و یاس، بهیچوجه حق نمیدهیم. کسی که در این میان بی تقصیر و مظلوم میباشد و نباید با او برید و قهر کرد، خدا است. البته خدا و آئین پاک او بی نیاز از هرگونه عبادت و عمل و ایمان ما است و آنکس که زبان میبرد و جسرت خواهد خورد خود انسان است. توصیفی که سابقاً در منبر از پیغمبر و ائمه میشد با آنچه حالا در دستند حکومت انجام میشود تفاوت فاحش دارد!

باید از کسانی که بدین طریق از اسلام برگشته اند پرسید کدام آنها... و یا کتب انجمنی دنیا است که تحریف و قلب و اضرار قدرت و سوءاستفاده شده باشد؟ حرف آن نویسنده ایتالیایی قرن هیجدهم میلادی که گفته بود «ای آزادی چه جنایتها که بنام تو کردند!» درباره هر مکتب و مذهب پاک خدائنی صادق است. مگر تمام سلاطین و دولتهای خود کامه دنیا، از فرعونها و کسریها و قیصرها تا خلفای بنی عباس و... هر کدام بنحوی و بنامی خود را خدا، پسر خدا، سایه خدا، خلیفه خدا، یار نصب شده و مجاز و مأمور از ناحیه خدا و رسول نمیدانسته اند؟

ب) قطعنامه و خط مشی

هفتمین کنگره نهضت آزادی ایران با توجه به مشاهدات و تحلیلهای فوق، نظریات، مواضع و وظائف و خط مشی نهضت را بشرح زیر تعیین و اعلام مینماید.

ب ۱) در آستانه هفتمین سالگرد انقلاب:

ب ۱-۱) دوام نظام جمهوری اسلامی، حفظ تمامیت ارضی کشور و حیات ملت و استقلال نسبی مملکت را ارج می نهیم و بدرگاه خداوند ذوالجلال سپاس و شکر میگذاریم.

ب ۱-۲) از ملت شریف ایران که بوجود آورنده انقلاب میباشد قدردانی و اظهار امیدواری نموده پایداری و فداکاری قشربهای وسیعی از ملت و بعضاً تصمیم و توکل گردانندگان

مملکت و خونردی و مرسخنی و امیدواری آنان را از جمله عوامل رفع خطرات و جبران خطاهای داخلی و ضربات جنگ تحمیلی و جلوگیری از اضمحلال و سقوط کشور میدانیم.

ب ۱-۳) از زحمات و خدمات کسانی که از روی حسن نیت و قصد خدمت به ایران و اسلام، متناسب با شایستگیهای خود قبول مسئولیت نموده اند، تقدیر مینمائیم.

ب ۱-۴) با وجود این، آرمانهای انقلاب و وعده های داده شده و انتظارات برحق مردم را برآورده نیافته، از نظر داخلی گسترش انحرافات و تخلفات و فقدان امنیت مالی، جانی، سیاسی، اجتماعی و قضائی و نارضایتی عمومی را یک واقعیت تلخ و غیرقابل انکار میدانیم و از تقلیل و تعطیل تولید در بخش صنعتی و تنزل دائم تولیدات کشاورزی نگران هستیم. از نظر خارجی نیز سیاست و عملکرد دولت را در جهت مصالح عالی ایران و اسلام، ضعیف یا نادرست می بینیم.

ب ۲) معتقدیم که:

ب ۱-۲) بسیاری از آزادیهای سیاسی، مطبوعاتی، فرهنگی و اجتماعات قانونی سلب گشته و سانسور در اظهار نظر نسبت به مسائل سیاسی بشدت اعمال میشود. محدودیت یا فقدان آزادی برای گروههای قانونی غیرموافق با حاکمیت، حتی طرفداران نظام جمهوری اسلامی، برخلاف قانون اساسی، اسلام و مصالح عمومی کشور میباشد.

ب ۲-۲) شیوع اعمال خلاف دین و قانون زیر پوشش اسلام، به اعتبار دین لطمه وارد ساخته است و علائم نزلزل در اعتقادات و برگشت از دین بمرحله ای رسیده که این اعمال میبایستی سریعاً متوقف گشته کوشش برای جبران اثرات سوء آن انجام گردد.

ب ۲-۳) انقلاب اسلامی ایران گرچه در بدو پیروزی اثرات عمیق و شگرفی بر اذهان و افکار مسلمانان و حتی غیرمسلمانان جهان بوجود آورد، اما اعمال بعدی تا حدود زیادی آن اثرات را خنثی نموده چهره نامطلوبی به دنیا ارائه داده است.

ب ۲-۴) از نظر نمایش خارجی یکی از دستاوردهای انقلاب برچیده شدن مظاهر و اماکن فساد و فحشاء، نظیر مشروب فروشی ها، روزه خواری علنی، بی حجابیهای محرک، فینمها و نمایشنامه های خلاف عفت و اخلاق میباشد که بآن ازیج مینهم ولی آنرا کافی و دلیل بر اصلاح واقعی یا تغییر درونی مفید که مورد نظر انقلاب و اسلام باشد نمیدانیم.

ب ۲-۵) نظارت و جلوگیری قانونی دولت از افراد و عواملی که ایجاد و اشاعه فساد و معاصی مینمایند عمل لازم و مفیدی است اما الزام و اکراه در عقاید و فرائض دینی، تجسس و تجاوز به حریم خصوصی و خانگی اشخاص و اعمال زور و خشونت را غیر شرعی و غیر قانونی دانسته عدم توقف آنرا موجب بروز واکنشهای مخرب و مضر علیه دین میدانیم.

ب ۲-۶) دخالتهای ناروا و عملکردهای نادرست برخی روحانیون در امور و مشاغلی که

علم و تجربه و آگاهی لازم نسبت بآنها ندارند چهره تاریخی این طبقه را در اذهان عمومی مخدوش ساخته بر روابط سنتی این طبقه با مردم اثرات سوئی بر جای گذاشته است. بر علمای واقعی است که به چاره‌جویی‌های مناسب همت گمارند.

ب ۲-۷) روش تفتیش عقاید در استخدامها، ثبت نام دانشجویان و دانش‌آموزان تخلف از قانون اساسی و مصداق بارزی از انحصار و اختناق است.

ب ۲-۸) استقلال به مفهوم سیاسی - حقوقی آن اگر چه بدست آمده است اما در مفهوم اقتصادی آن وابستگی به بیگانه در زمینه‌های مختلف بیشتر شده و فرار مغزها و تخصص‌های مورد نیاز کشور به تشدید این وابستگی کمک نموده است.

ب ۲-۹) دلبستگی به سرزمین، میهن، مردم، ملت، فرهنگ، زبان، تاریخ، افتخارات و سرمایه‌های ملی منافی مکتب توحید و جهانی بودن اسلام نیست و جوضد ایرانی و ضد ملی کنونی خلاف مصالح کشور می‌باشد.

ب ۲-۱۰) شعار «جمهوری اسلامی» دوران انقلاب زمانی تحقق خواهد یافت که مردم از حقوق و آادیبهای سیاسی و عدالت اجتماعی برخوردار گردند و حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش بطور کامل و خدشه‌ناپذیر عملی گردد.

ب ۳) در برابر اوضاع و احوال کنونی:

ب ۳-۱) نهضت آزادی ایران ادامه وضع موجود و انحصار مسئولیتها و اختیارات و تشدید و تقویت سیاستهای موجود را مردود دانسته و آنرا موجب بروز تبعات و خشونت‌هاک میداند. همچنین برگشت ارتجاعی به نظام سلطنتی را قابل تکرار و تحمل نمیداند و عواقب و نتایج آنرا خطرناک می‌بیند و نیز انکار کلی و بی‌نسبی انقلاب، حذف نظام جمهوری اسلامی و سرنگونی حاکمیت را از طریق قیام مسلحانه و اعمال خشونت‌آمیز مصلحت نمیداند.

نهضت آزادی ایران با اعتقاد باینکه هرگونه تغییری که منشاء آن بیگانگان باشند سرانجام بسود آنان خواهد شد مطمئن است هیچ فرد و یا گروه مسلمان و ایرانی معتقد و متوکل بخدا و متعهد و علاقمند به ایران قبول تنگ دل بستن به بیگانگان را نخواهد کرد.

نهضت آزادی ایران کماکان راه رهائی را، وفاداری به اصول اولیه انقلاب، دفاع از نظام جمهوری اسلامی و تمسک به قانون اساسی، توأم با قیام قانونی مسالمت‌آمیز و آرام بمنظور اصلاح یا تغییر حاکمیت میداند.

ب ۳-۲) نهضت آزادی حوزه را همچنان در برابر خدا و حق و وجدان خویش متعهد و موظف دیده با توکل به خدا و امیدواری به هموطنان، بدون ترس از مشکلات و اتهامات و خطرات، به کوشش خود در راه حفظ و حراست از انقلاب و ایران و سلام، در چه رچوب قانون اساسی و جمهوری اسلامی در حد توانایی خود ادامه خواهد داد.

ب ۳-۳) مردم را دعوت مینمائیم که قیام قرآنی نموده، قبول ابتلاء و امتحان الهی بنمایند و با روحیه یاس و بدبینی و انزوا و پرخاشجویی ویرانساز مبارزه کنند و مشتاقانه و فعال با مشارکت صمیمانه و همکاری و هماهنگی و با استمداد از ایمان و علم و عقل بر اساس برهان و جدال احسن، به ادامه وظائف ملی و اسلامی خود پردازند.

بهمن ماه ۱۳۶۳

قیمت: ۳۰ ریال

۶۰-۳-۲۶۱